

حسنعلی مهران: هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، از ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷^۱

هادی صالحی اصفهانی

استاد اقتصاد، دانشگاه ایلی‌نویز

هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، تألیف حسنعلی مهران، شرح و تحلیلی است از شکل‌گیری و تحولات نظام پولی و بانکی و سیاست‌های اقتصاد کلان در ایران قبل از انقلاب. کتاب متشکل از ۱۱ فصل، ۳ پیوست، ۱۱ جدول آماری و تعداد فراوانی سند است. موضوع کتاب مهم است، به خصوص این روزها که مسئله اقتصاد همه‌جا مطرح است و بهبود سیاست‌گذاری اقتصادی در صدر دستور کار دولت ایران قرار گرفته است و طرح و پیاده کردن اصلاحات لازم نیاز به درک درست از اقتصاد و تجربه‌های تاریخی آن دارد. در این زمینه، کتاب مورد بحث از چند نظر برای درک بهتر تاریخ اقتصادی ایران و درس گرفتن از گذشته بسیار بااهمیت است.

نخستین جنبه مهم، نگارش آن به دست کسی است که در یک دوره سرنوشت‌ساز در دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰م در مقام ریاست بانک مرکزی و در موقعیت‌های مهم دیگری در سیاست‌گذاری

هادی صالحی اصفهانی دانش‌آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا است که از ۱۳۶۳ ش/۱۹۸۵م به تحقیق و تدریس در رشته اقتصاد در دانشگاه ایلی‌نویز در اوربانا-شمپین پرداخته و اکنون نیز استاد اقتصاد آن دانشگاه است. او همچنین سردبیر مجله *Quarterly Review of Economics and Finance* و از بنیادگذاران و عضو هیئت امنای انجمن پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه و انجمن بین‌المللی اقتصاد ایران است. پیش از این رئیس انجمن اقتصاد خاورمیانه و مدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه ایلی‌نویز بوده است. حوزه تخصصی تحقیقات او توسعه و اقتصاد سیاسی است و تاکنون چندین کتاب و بیش از ۵۰ مقاله منتشر کرده است.

Hadi S. Esfahani <esfahani@illinois.edu>

۱. حسنعلی مهران، هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، از ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷ (مریلند: ایران‌بوک، ۲۰۱۳).

ISSN 0892-4147-print/ISSN 2159-421X online/2014/29.1/198-201

حسنعلی مهران: هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران

۱۹۸

اقتصادی ایران شرکت داشته است. از این جنبه، کتاب حاوی اطلاعات دست اولی است که برای پاسخ به بسیاری سوال‌های مبهم کمک می‌کنند؛ سوال‌هایی که از کنجکاوی تاریخی فراتر می‌روند و به امروز و آینده هم مربوط می‌شوند. مثلاً، چنان که در فصل‌های هشتم و نهم کتاب به تفصیل شرح داده شده است، بعد از افزایش بی‌سابقه درآمد نفت و شتاب گرفتن تورم در اواسط دهه ۱۳۵۰، بانک مرکزی می‌توانست نسبت نرخ دلار به ریال را ثابت نگه دارد یا بالا یا پایین ببرد و از هر کدام از آن سیاست‌ها هم بر حسب نوع برداشت از مفهوم نرخ تعادلی دلار به نحوی دفاع کند. چنین وضعیتی در سی سال گذشته چندبار تکرار شده است و هر بار بانک مرکزی عکس‌العمل متفاوتی نشان داده است که هر کدام آثار خود را بر تورم و واردات و صادرات و تولید داخلی گذاشته‌اند. در اواسط دهه ۱۳۵۰، بانک مرکزی بر آن شد که ریال را قدری تقویت کند. اینکه چطور این تصمیم گرفته شد و نیروهای مختلف چه نقش‌هایی در آن داشتند پرسش‌های شایان توجهی هستند که پاسخ به آنها نیاز به اطلاعات کسانی دارد که درگیر آن تصمیم‌گیری بوده‌اند و نویسنده کتاب پاسخ لازم را به تفصیل و با دقت عرضه می‌کند. مثال مهم دیگر نحوه تعامل بانک مرکزی با بانک‌های خصوصی و مشکلاتی است که در منضبط کردن آنها وجود داشت؛ به خصوص که این بانک‌ها بعضاً مورد سوء استفاده برخی افراد متنفذ قرار می‌گرفتند و سلامت نظام بانکی و پولی کشور را به خطر می‌انداختند. در این خصوص هم مسئله به هیچ‌وجه کهنه نشده است و تکرار این مشکلات را بارها مشاهده کرده‌ایم.

جنبه مهم دیگر کتاب تخصص و تیزبینی نویسنده آن است. حسنعلی مهران اقتصاددانی مبرز و متخصصی برجسته در امور بانک‌های مرکزی است که جدا از فعالیتش در ایران، سال‌ها مشاور عالی در امور پولی و ارزی صندوق بین‌المللی پول بوده و با بانک‌های مرکزی فراوانی کار کرده و تجربه بسیار اندوخته است. این جنبه به بحث‌های کتاب عمق خاصی می‌بخشد. نویسنده در بسیاری قسمت‌ها به شرح نحوه عملکرد و معضلات اقتصاد کلان می‌پردازد تا مشکل طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی را، که بانک مرکزی با آن درگیر بوده است، به خوبی روشن کند. در واقع، بعضی بخش‌های کتاب برای کسانی که می‌خواهند درک ژرف‌تری از نظام پولی و بانکی و سیاست‌گذاری اقتصادی پیدا کنند درس‌آموز و مفید است.

سومین جنبه قابل توجه کتاب این است که نویسنده به مشاهدات و خاطرات خودش بسنده نکرده و با استفاده از مدارک، اطلاعات و خاطرات دیگر دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری اقتصادی، مخصوصاً رؤسای سابق بانک مرکزی، سعی کرده است تصویری کامل و تاریخی از نظام پولی و بانکی در ایران قبل از انقلاب ارائه کند. کتاب همچنین این دست‌اندرکاران را معرفی کرده و

عملکردشان را در زمینه تحولات نظام اقتصادی آن دوره ارزیابی می‌کند.

پیوست‌ها، جداول و سندهای ضمیمه کتاب داده‌های مهم و مدارک قابل توجهی را در اختیار خواننده می‌گذارند که به درک دقیق‌تر بحث‌ها کمک می‌کنند و به‌ویژه در پژوهش‌های اقتصادی آینده مفید خواهند بود.

با این همه، جنبه نه چندان دلپذیر کتاب ویرایش آن است که خواندن متن را مشکل می‌کند. البته این مشکل در بعضی فصل‌ها، به خصوص فصل‌های اولیه که تاریخچه بانک مرکزی و شخصیت‌های مهم آن معرفی می‌شوند، بیشتر به چشم می‌خورد و فصل‌های نیمه دوم کتاب که بیشتر تحلیلی‌اند، روان‌تر و بهتر تنظیم شده‌اند. خوشبختانه چاپ دیگری از این کتاب در راه است که قرار است در آن این مسئله حل شود.

به هر حال، ترکیب جنبه‌های خوب کتاب، یعنی تجربیات شخصی نویسنده در مقام سیاست‌گذار و مشاور بین‌المللی در امور اقتصادی، به کار گرفتن اطلاعات بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران و معرفی و ارزیابی خود آنها، استفاده از داده‌ها و سندهای موجود و بالاخره توانایی و قابلیت نویسنده در مقام متخصص امور بانک‌های مرکزی، این نوشته را از خاطرات و تاریخ شفاهی سیاست‌گذاران دیگر و از متون پژوهشی موجود متمایز می‌کند. در ضمن، کتاب نکات جدید و بیان تازه‌ای از کارکرد نظام اقتصادی و سیاسی قبل از انقلاب را پیش می‌نهد.

در بسیاری مواقع نویسنده کوشش می‌کند نشان دهد که توسعه سریع اقتصاد ایران در دهه ۱۳۴۰ و در قسمتی از دهه ۱۳۵۰ مرهون کارایی و زحمات بی‌وقفه عده زیادی از متخصصان ایرانی بوده است که آرزوی بهروزی مردم کشورشان را داشتند و نظام سیاسی آن زمان را پدیده‌ای در حال تحول می‌دیدند که می‌شد به "زور قدرت شاه و استفاده از آن، هرج و مرج سیاسی دهه ۲۰ را کنار گذارد و با قاطعیت به پیشرفت مملکت و ساختن زیربناهای آن پرداخت."^{۲۴} این نکته مهمی است که باید آن را هم در برآورد علل رشد اقتصادی و هم در ارزیابی عملکرد دولتمردان آن دوره در مد نظر نگاه داشت، ولی در ضمن نباید فراموش کرد که بسیاری از این افراد از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد شروع به کناره‌گیری کردند یا کنار گذاشته شدند. کتاب چندین مثال مهم از این دست ذکر می‌کند و به‌ویژه یادآور می‌شود که با وجود اینکه دوره خدمت رئیس بانک مرکزی در قانون پولی و بانکی ۱۳۳۹ سه سال تعیین شده بود و در ۱۳۵۱ به پنج سال افزایش پیدا کرده بود، هیچ‌یک

۲. مهران، هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، ۲۳۷.

از رؤسای منصوب‌شده بعد از ۱۳۴۷ بیش از دو سال‌واندی در آن مقام نماندند.^۳ به هر تقدیر، شواهد فراوانی در دست است که نشان می‌دهد نظام شاه با رشد فوق‌العاده سریعی که در اواسط دهه ۱۳۴۰ ایجاد کرده بود، در آخر آن دهه شروع به افول کرد و برای ارزیابی عملکرد در آن دوره شناخت عوامل پدیدآورنده این روند مهم است. بعضی ناظران شخصیت شاه و به خود غره شدنش را علت اصلی بر می‌شمارند، بعضی‌ها مشکل را به گردن شخصیت‌های دیگر می‌اندازند، برخی سیل درآمد نفت را در اوایل دهه ۱۳۵۰ متهم می‌کنند و برخی دیگر هم به مجموعه‌هایی از عوامل داخلی و خارجی دیگر اشاره می‌کنند. کتاب به خیلی از این عوامل اشاره دارد، ولی دست آخر قدرت متمرکز را مسئول می‌شناسد،^۴ یعنی همان مشخصه‌ای از نظام که عامل محرک تجهیز نیروها در دهه ۱۳۴۰ بود. این نکته خواننده را به آنجا می‌کشاند که چه راه‌هایی برای گذار از قدرت متمرکز وجود داشت و نخبگان جامعه چه رویکردهایی را باید در پیش می‌گرفتند. ولی این خود موضوع کتابی دیگر است.

۴. مهران، هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، ۲۳۹.

۳. مهران، هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، ۲۲۶.